

مجاهدین به نوعی فرقه‌گرایی افتاده بودند

رئیس سازمان امنیت فرانسه در ارتباط با دستگیری مجاهدین مصاحبه‌ای با فیگارو انجام داده و مجموعه تهدیدهایی که روی فرانسه سنگینی می‌کند را بیان می‌نماید.

فیگارو می‌نویسد: درحالی‌که در تقریباً تمامی اروپا، مجاهدین در اعتراض به دستگیری ۱۶۶ نفر دست به خودسوزی می‌زنند، رئیس DST به دلایلی که پلیس را وادار نمود تا به این یورش گسترده علیه مجاهدین و بنابر دستور قاضی بروگی یر دست بزند، توضیحاتی داده است. روز گذشته وزیر خارجه تأکید کرد که این دستگیری‌ها به منظور مسترد نمودن هواداران اسلامی- مارکسیستی به طرف ایران نمی‌باشند.

درعین حال فردا، چندین نفر از این افراد در مقابل قضات ضدتروریستی پاریس حضور خواهند یافت که می‌تواند به زندانی شدن آنها منجر شود.

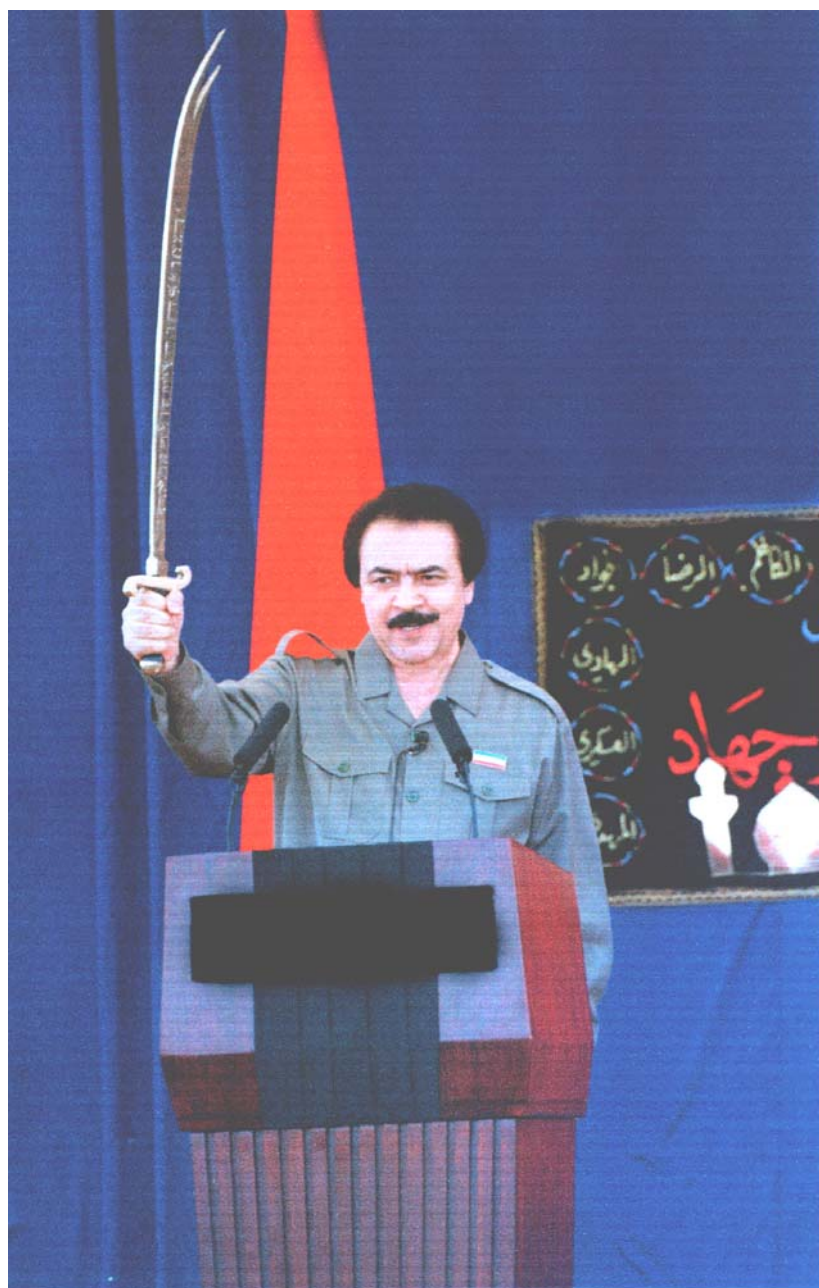
به نوشته فیگارو با این عملیات، سرویس ضد جاسوسی فرانسه از سایه بیرون آمده است. سازمانی «مخفی‌تر از مخفی» که قبول کرده است به تمامی پرسش‌ها پاسخ دهد.

سؤال: آیا عملیات گسترده سه شنبه علیه مجاهدین خلق ایران مستقردر فرانسه پاسخ به تهدیدی مشخص بوده است؟

جواب: مجاهدین خلق ایران از مدت‌ها قبل به طرف یک منطق تروریستی گرایش پیدا کرده بود. علیرغم بیانیه‌ها و اظهارات سازمان که مدعی است صرفاً علیه یک رژیم مبارزه می‌کند، بدانید که سوءقصد‌های آن قربانیان مردمی زیادی داشته است. در ارتباط با سخنان مجاهدین خلق ایران در ارتباط با اینکه می‌خواهد دموکراسی را به ایران بازگرداند، بایستی آنرا با ویژگی فوق‌العاده مستبدانه جنبش قضاوت نمود، جنبشی که در آن نوعی آئین شخصیت پرستی شدیدی حاکم است. اعضای آن می‌بایست بطور کورکورانه‌ای کاملاً در خدمت مسعود رجوی و همسرش باشند و کوچکترین انتقادی هزینه‌گرافی دارد. همچنین مجاهدین خلق به طرف نوعی فرقه‌گرایی رفته که بیانگر تعصبات هواداران آنست: خودسوزی‌های دراماتیک روزهای اخیر متأسفانه تأییدی بر این مدعا است.

DST از مدت‌ها پیش این سازمان را تحت نظر داشته و به مقامات دولتی و قضایی در ارتباط با خطرناک بودن فزاینده آنان هشدار داده است طی دو سال اخیر تلاش شده تا ساختارها و نحوه عمل سازمان بررسی و تشریح شود، به ویژه مستقر شدن آنها در فرانسه، که به دلیل پیچیدگی‌های مجاهدین خلق، فرهنگ پنهان کاری‌شان، فرقه‌ای بودن و وسوسه روی ایده‌هایشان، وظیفه بسیار مشکلی بود. اما عواقب

غير مستقيم مداخله امريكا در عراق بود كه ما را در انجام اين عمل به جلو انداخت. همزيستي در خود فرورفته اي كه در «اورسوراواز» براي اعضاي رده بالا و هواداران ورزيده چريكي بود و نيز اطلاعاتي كه از منابع مختلفي بدست ما رسيده بودند، ما را متقاعد ساختند كه مجاهدين خلق در نظر دارد مقر اصلي جهاني خود را پس از دست دادن عراق در فرانسه مستقر نمايد. هم بخاطر دليل اصولي و هم بخاطر خطراتي كه متوجه شهروندانمان بود، نمي توانستيم چنين دورنمايي را قبول كنيم.



فیگارو، ۲۳ ژوئن: زندگی دوگانه مریم رجوی، همسر رهبر مجاهدین خلق

این روزنامه در گزارشی از ژان شیشیزولا در ارتباط با صدور قرار بازداشت مریم رجوی، که عکسی از وی درج گردیده و ذیل آن آمده است سال ۱۹۹۳ وی به عنوان رئیس جمهور ایران تعیین گردیده می نویسد:

سازمان امنیت فرانسه زنگ خطر بازگشت اوایل سال ۲۰۰۳ وی به فرانسه را به صدا در آورده بود. مریم رجوی، با مقامات بلند پایه سازمان، به طور اسرار آمیزی عراق را ترک کرده بود تا وارد اور سورآوز در فرانسه شود. تصمیمی نگران کننده برای آنهایی که از سی سال پیش، این زن که هر از چندی يك سفیر جذاب و هواداری بسیار وفادار و کامل که با مدارك جعلی و نام های مستعار، از « مبارزه مسلحانه» حمایت می نماید را زیر نظر دارند. بین جنبه دموکراتیک و مبارزه تا پای مرگ با رژیم ایران، تاریخچه مریم رجوی همسر با تاریخچه سازمان خود در آمیخته است.

شیشیزولا به سابقه زندگی وی که متولد ۱۹۵۳ در تهران و از يك خانواده متوسط است که لیسانسیه متالورژی دارد و در دهه ۱۹۷۰ به هنگام موج اعتراضی که خوابگاه های دانشجویی را فرا گرفته بود وارد سیاست می شود اشاره می کند و می نویسد: اواخر دهه ۷۰ با یکی از اعضای سازمان ازدواج می کند و سال ۱۹۸۰ صاحب يك دختر می شود.

شیشیزولا اضافه می کند: گذشته وی در سازمان مجاهدین خلق ایران نیز رعد آسا است. سال ۱۹۸۲ وارد فرانسه می شود و در رهبری مجاهدین در کنار مسعود رجوی در ژانویه ۱۹۸۵ مشارکت می کند. در بیوگرافی رسمی وی يك کلمه در ارتباط با طلاق و ازدواج دوباره اش با رجوی در سال ۱۹۸۶ دیده نمی شود. ارتقاء وی به فرماندهی ارتش ملی آزادیبخش در سال ۱۹۸۷ به گفته این مدرک رسمی بدلیل «

«خصوصیات و استعدادش» بوده است. وی «يك نقش مهم در انتقال ارتش مزبور به يك نیروی نظامی کاملاً آموزش دیده مدرن و مکانیزه» داشته است.

شیشیزولا اضافه می کند: در آن زمان، سازمان مجاهدین خلق ایران خود را از انجام عملیاتی در خارج از ایران محروم نمی کرد و مریم رجوی برای بخاطر آوردن آن در جایگاه خوبی قرار دارد. در آوریل ۱۹۹۲ این شخص زمانی دبیرکل می شود که پس از يك حمله هوایی نیروهای ایران در عراق، سفارتخانه ها و

کنسولگری های ایران در ۹ کشور (المان، استرالیا، کانادا، فرانسه، نروژ، هلند، انگلستان، سوئد، سوئیس) مورد حمله و تهاجم خشونت آمیز از طرف مجاهدین قرار می گیرند .

از نظر مریم رجوی ، زمان دیپلماسی فرارسیده بود. سال ۱۹۹۴ در کنار آبه پی بر یکی از محبوبترین چهره های فرانسه عکس می گیرد، بدون اینکه در عین حال تعهدی را که براساس آن می بایست سکوت اختیار نموده و فعالیتی نداشته باشد را رعایت نماید. هوادار سازمان هرگز به دور از دیپلماسی نبوده است. پس از بازگشت از عراق در سال ۱۹۹۸، خطاب به مبارزان ارتش ملی آزادیبخش می گوید « مقاومت در راه مناسبی برای سرنگونی رژیم ملاحا است». ژوئن ۱۹۹۸ سازمان مجاهدین خلق ایران مسئولیت يك بمب گذاری در دادگستری تهران را که تعداد زیادی قربانی بر جای گذاشت، بعهده میگیرد. پنج سال بعد، تغییرات داده ها در عراق « رئیس جمهور آتی» را مجبور می کند به فرانسه باز گردد تا اینکه بالاخره دستگیر می شود. دورنمایی که پرستش گران وی نمی توانند تحمل نمایند. فردی که به گفته سرویس های اطلاعاتی غرب موضوع يك « کیش شخصیتی» است.



فیگارو، ۲۳ ژوئن: قرار بازداشت هفده تن از مجاهدین

این روزنامه در گزارش سوم خود بقلم ژان شیشیزولا به صدور شنبه شب قرار بازداشت هفده تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بخاطر « شرکت در تبهکاری در ارتباط با اقدامات تروریستی» و «تامین مالی تروریسم» اشاره می کند و می افزاید: یازده تن و منجمله مریم رجوی که از طرف طرفدارانش بعنوان « سمبول رهبری سازمان معرفی می شود» زندانی شدند. شش نفر دیگر هم منجمله صالح رجوی، تحت کنترل قضایی قرار گرفتند.



شیشیزولا اضافه میکند: این تصمیم ها که در جوی پر تنش زیاد بین هواداران و نیروهای انتظامی در حالی گرفته شده که پنجاه تن از مجاهدین در اورسوراوآز گردهم آمده و تصمیم دارند به اعتصاب غذای خود تا آزادی رهبرشان ادامه دهند. از زمان سه خودسوزی چهارشنبه که یک قربانی بجای گذاشت تا دیروز عصر هیچ اقدام مشابهی در فرانسه صورت نگرفته ولی در لندن چندین خودسوزی ثبت شده است. در پاریس دو تن از مجاهدین، بخاطر « تحریک به خودکشی» تحت بازجویی قرار گرفته اند. این ها به هنگام خرید بنزین فیلمبرداری شده و لباس های قربانیان با این ها بوده اند. بدنبال اعتراضات ناشی از اعلام خبر زندانی شدن مریم رجوی، نیروهای انتظامی برای اجتناب از هرگونه افراط و طغیانی در حالت آماده باش بودند.

باقی می ماند پلیس د.اس.ت و اداره مرکزی ضد جنایی مالی که در این کلاف پیچیده حسابهای بانکی به بررسی پردازند. بخشی از پولهای نقد هم مستقیماً از عراق آورده شده بودند. واریزهای صورت گرفته به یمن به ویژه مورد علاقه پلیس است. این اولین باری نیست که یک کشور شبه جزیره عربی در یک تحقیقات مالی- قضایی مربوط به سازمان مجاهدین خلق ایران مطرح می گردد. ۲۷ فوریه ۲۰۰۱ پس از چهار سال تحقیقات اف.بی.آی ، هفت ایرانی در کالیفرنیا بازداشت شدند که مظنون به جمع آوری بیش از یک میلیون دلار از طریق « کمیته برای حقوق بشر در ایران» شده بودند. بخش عمده ای از این میزان به ترکیه می رفت و به گفته اف.بی.آی به حسابهای تحت کنترل سازمان مجاهدین خلق ایران واریز می گردید. بیش از ۴۰۰۰۰۰ دلار برای خرید سلاح ها در امارات متحده عربی صرف گردیده است. پس از دریافت یک پیام از دفتر اف.بی.آی در بن مبنی بر اینکه پلیس قضایی آلمان علاقمند به انتقال پول از طریق مجاهدین به آلمان شده، دستور تحقیقاتی صادر شد که به نتیجه نرسید.



فیگارو، ۲۴ ژوئن: گزارش محرمانه د.اس.ت در مورد مجاهدین

این روزنامه در عنوان اول خود می نویسد: بنا بر گزارش ضد جاسوسی (فرانسه) مخالفین ایرانی در نظر داشتند قتل ها و بمب گذارهایی صورت دهند.

فیگارو می نویسد: در حالیکه مدافعین اعضای دستگیر شده سازمان مجاهدین خلق ایران خود را سازماندهی می کنند؛ د.اس.ت تلاش می نماید تا از نقشه ای از پاریس که به هنگام بازرسی ها بدست آورده است، سخن بگوید. خیابانهای «رویال» و «بوآسی دانگلاس» در آن علامت گذاری شده بودند. این دو خیابان در نزدیکی سفارت امریکا هستند. از نظر پلیس این سند می تواند فرضیه شناسایی محیطی در مورد سفارت را معتبر نماید.

فیگارو اضافه می کند: ضد جاسوسی تلاش می کند علاوه بر اینها با کمک سرویس پلیس مالی سرخ نقل و انتقال پولهای این گروهک اسلامی مارکسیستی را که در مقرشان ۹ میلیون دلار پول نقد پنهان کرده بودند را بدست آورد.

فیگارو می افزاید: پانزده روز پیش از حمله پلیس به مقر مجاهدین، د.اس.ت گزارشی با جزئیات کامل تهدیدهایی که به نظرش مجاهدین مستقر در فرانسه می توانستند، ایجاد نمایند، تدوین نموده بود. گزارشی که فیگارو بطور انحصاری، بخش های مهمی از آن را چاپ کرده است.

بنابراین سند «سازمان مجاهدین خلق ایران در سرزمین فرانسه به فعالیت های بسیاری که ویژگی مخفی، فرقه ای و مجرمانه و حتی جنایی داشته اند، دست زده است».

فیگارو اضافه می کند: بنابراین گزارش، مجاهدین در نظر داشتند عملیاتی علیه اهداف ایرانی در اروپا از قبیل سفارتخانه ها و کنسولگریهای ... ایران انجام دهند. همچنین «حذف فیزیکی اعضای پیشین خود را که با سرویس های اطلاعاتی ایران- و اوآک- همکاری کرده بودند را در دستور کار خود قرار داده بودند».

خودسوزیهای هواداران تربیت شده مانند آنچه که در روزهای اخیر در پاریس رم لندن یا برن روی داده است توسط مجاهدین برنامه ریزی شده بودند.

يك نقشه پاریس در مقر مجاهدین، پلیس و دادگستری را کنجاو کرده است.

فیگارو که يك صفحه کامل داخلی را به این گزارش اختصاص داده است به قلم ژان مارك لکلرک می نویسد: يك نقشه پاریس در دست مجاهدین بوده که کنجاوی پلیس و دادگستری را برانگیخته است. تحقیقات د.اس.ت می بایست روشنگریهایی را در این زمینه به عمل آورد. فهرستی از ماموران مخفی ایرانی نیز پیدا شده است.

به موازات تحقیقات کلاسیک ضد تروریسم، افراد اداره مرکزی برای مقابله با تبهکاری مالی و سرویس ملی تحقیقات مالی سعی در کندوکاو در حسابهای سازمان دارند و به دنبال اثراتی از دلارها هستند. اما به اعتراف خود بازرسان، چنین جنبه از تحقیقات بسیار طولانی خواهد بود.

در مقابل، دفاع مجاهدین خود را سازماندهی می کند. فیگارو به اظهارات میشل توبیان رئیس لیگ حقوق بشر در کنار خانم دانیل میتران که به مقر سازمان مجاهدین خلق ایران رفته بود، اشاره میکند (ر.ک لیبراسیون مورخ امروز) که بگفته وی این عملیات پاریس خدمتی برای ایران بوده است.

منشاء عملیات علیه مجاهدین، يك گزارش محرمانه د.اس.ت بود.

فیگارو در بخش دیگری با عنوان فوق، گزارش د.اس.ت را در ۷ قسمت با میان تیترهای زیر چاپ کرده است:

- سازمان مجاهدین خلق ایران مقر فرماندهی خود را در فرانسه مستقر نموده است.
- قبول مسئولیت سوء قصدهای انجام شده در ایران از خاک فرانسه،
- توزیع غیر قانونی نشریات،
- تامین مالی
- آموزش و تربیت تروریست،
- معرفی سازمان مجاهدین خلق ایران به عنوان يك سازمان تروریستی
- فعالیت ها در فرانسه

گزارش سازمان امنیت ملی فرانسه در ارتباط با قسمت اول بشرح زیر است:

سازمان مجاهدین خلق ایران در سرزمین فرانسه به فعالیت هایی که ویژگی مخفی، فرقه ای و مجرمانه، و همچنین جنایی دارند، اقدام می کند. در فرانسه، هواداران این سازمان بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر هستند. هسته مرکزی سازمان از حدود ۱۰ نفر از اعضا تشکیل شده است... به مناسبت های مختلف، اقدامات اعتراضی سازمان (مانند مسابقه فوتبال بین ایران و امریکا در سال ۱۹۹۸ در لیون، دیدار سران ایرانی از پاریس، به ویژه دیدار خاتمی در سال ۱۹۹۹، نمایندگان مجلس ایران در فوریه ۲۰۰۱) توانسته است خود در بسیج گسترده ای را نشان دهد و کارشناسان تظاهرات خیابانی آن به ویژه از عراق وارد شده بودند.

سازمان مجاهدین خلق ایران دارای نمایندگی قانونی در فرانسه نیست ولی در واقع وجود دارد و اقدامات آن از طریق انجمن های بسیاری که ثبت شده یا نشده هستند، و به عنوان پوششی برای اعضای آن بکار می روند، انجام می گیرند. چهارده انجمن وابسته به این گروه شناسایی شده اند. این انجمن ها از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران تشکیل شده که برخی در شبکه مالی سازمان دست داشته اند به ویژه SR، AT، HRM، NM، BRS، برخی هیچ يك از فعالیتهای قابل توجهی نداشته اند. در عوض یکی از اینها توجهات را بخود جلب می کند یعنی انجمن کمک ایران Iran Aide.

« قبول مسئولیت سوء قصدهای انجام شده در ایران از خاک فرانسه »

از سال ۱۹۹۸، سازمان مجاهدین خلق ایران که به عنوان اصلی ترین حزب مخالف رژیم تهران، نفوذ سیاسی خود را از دست داده بود. بتدریج به رادیکالی کردن اقدامات خود پرداخته و به حملات نظامی و تروریستی خود در ایران افزوده است. ۲ ژوئن ۱۹۹۸، سازمان مجاهدین خلق ایران بیانیه ای به زبان فرانسه صادر نمود که مسئولیت سوء قصد دفتر دادستان انقلاب تهران را عهده دار شد. در این سوء قصد حدود ده نفر کشته و زخمی شدند. سوم ژوئن همان سال در بیانیه دیگری به زبان فرانسه، يك حمله با راکت به مقر فرماندهی پاسداران را به عهده گرفت. دو ماه بعد در خبری که در اختیار آژانس آ.اف.پ در نیکوزیا قرار گرفت سازمان مجاهدین خلق ایران قتل ۲۳ اوت ۱۹۹۸ اسدا... لاجوردی مسئول قدیمی زندان اوین را به عهده گرفت...

« توزیع غیرقانونی نشریات »

سازمان مجاهدین خلق ایران در فرانسه پنج روزنامه یا نشریه را منتشر می نمود که هیچ يك در نزد مقامات مسئول ثبت نشده اند. ایران زمین، ایران آزادی، شیر و خورشید، اخبار ایران و مجاهد از جمله این نشریات هستند. روزنامه مجاهد که شناخته شده ترین نشریه است و با بخشنامه فوریه ۱۹۹۹ وزارت کشور متوقف گردید، بصورت غیرقانونی همچنان منتشر می شود و حامل بیانات بویژه خشونت آمیزی نسبت به رژیم است.

لحن مقاله ها نشان دهنده این است که گردش این روزنامه در فرانسه خطر برهم زدن نظم عمومی را دارد زیرا خوانندگان را به قتل مهمترین رهبران ایران که ناگزیر از سفر رسمی به فرانسه هستند، تحریک می کند.

بنا بر منابع، مجاهد در انگلستان نوشته و چاپ می گردد. آدرس آن هم در شماره ۱۷ خیابان Gords واقع در اورسوراوآز می باشد. آدرس جعبه پستی روزنامه در شماره ۲ تکراری خیابان Eure در پاریس (منطقه) بیستم است. انجمن ABC Live هم همین آدرس را دارد که بعنوان آدرس اصلی شرکتی که روزنامه های فرستاده شده به هوادارانی که تغییر آدرس داده اند، و بطور مرتب توسط MAMR و یا FAT جمع آوری می شوند، مطرح گردیده است.

« تامین مالی »

سازمان مجاهدین خلق ایران برای تمامی این فعالیت ها، یعنی مدیریت دارایی های غیرمنقول، ابزار ارتباطی، جابجایی هواداران و نگهداری ارتش خود در عراق نیاز به بودجه هنگفتی دارد. بنابر اطلاعاتی که بدستمان رسیده است، سازمان از پولهایی که منبع غیرقانونی دارند استفاده نمی کند. در عوض سازمان مجاهدین خلق ایران و برخی از اعضا تحت تعقیب قضایی بخاطر اختلاس، به ویژه در آلمان، کمکهایی برای کودکان و نوجوانان هستند. این مبالغ برای خرید تسلیحات ضروری و تروریستی در عراق استفاده می شد.

بخشی از تامین مالی از جمع آوری کمک های نقدی افراد و ایرانی های تبعیدی از طریق نمایندگیهای سازمان مجاهدین خلق ایران در اروپا و امریکای شمالی و خاورمیانه بدست می آمد. بخش دیگری از کمک

های اعضا، که مجبور بودند بطور مرتب به سازمان پول بدهند و بالاخره بخش دیگری از طرف صدام حسین بود که مهمترین تامین کننده مالی سازمان بوده و کمک های وی به صدها هزار میلیون دلار می رسید.

اطلاعات منابع متفاوت در مورد جریان مالی نشان دهنده این است که نقل و انتقال های حسابهایی که هم دیگر را تغذیه می نمودند، بصورت چرخشی بوده و اینجاست که نمی توان منشأ اصلی را با دقت مشخص نمود. به عنوان مثال، حسابی که از اردن، بلژیک، آلمان و غیره تغذیه می شد به نوبه خود همان میزان را به حسابهای دیگری در دانمارک، فرانسه، آلمان، نروژ، ایتالیا، انگلستان، سوئیس، لوگزامبورگ، امریکا و ... می فرستاد.

بررسی حسابهای برخی از اعضای سازمان بیانگر نوعی پیچیدگی است. حجم مهم پولهایی که توسط این افراد به گردش افتاده است، کاملاً با موقعیت اجتماعی که دارند ناهماهنگی دارد. این افراد معمولاً بیکار هستند، هیچ گونه فعالیت اقتصادی ندارند، برای اداره مالیات و بسیاری از سازمانهای اجتماعی فرانسه ناشناخته هستند. در نتیجه یافتن مکان دارندگان حسابها بسیار مشکل و یا غیر ممکن است. آدرس تمامی اینها به نام افراد دیگر و یا اینکه در واقعیت در فرانسه اقامت ندارند، می باشد.

« آموزش تروریستی »

ما توانسته ایم مشاهده کنیم که بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، که در فرانسه به استخدام در آمده و مستقر شده اند، به طور مرتب به عراق، که پایگاه های ارتش ملی آزادیبخش را در خود جای داده بود، می رفتند. ((فیگارو می نویسد در گزارش د.اس.ت.اسمی هیجده پایگاه ذکر شده است)).

ما توانسته ایم مشخص کنیم که اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران می توانند از مدارک جعلی یا هویت جعلی استفاده کرده و از راههای گوناگون از طریق اردن، مصر یا ترکیه، یا با ترانزیت از کشورهای چون بلژیک، هلند و ... به عراق بروند. این شیوه کاملاً مخفی هدفی بجز اجتناب از کنترل جابجایی آنها ندارد. هواداران در عراق کارآموزی هایی از نوع آموزش سیاسی و نظامی می بینند.

« سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی تروریستی »

بدنبال سوء قصدهای ۱۱ سپتامبر، واشنگتن سازمان مجاهدین خلق ایران را در فهرست سازمانهای تروریستی قرار داد و خواستار مسدود شدن دارائی های آن شد. یادآوری می شود که سازمان مجاهدین خلق ایران همچنین در فهرست سازمانهای تروریستی بریتانیا و از ماه می ۲۰۰۲ روی فهرست اتحادیه اروپا قرار دارد.

از آن موقع، مجاهدین از آرم شورای ملی مقاومت ایران، ارگان سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران استفاده می کنند که دبیرکل آن مریم رجوی است.

در گذشته ، مقامات بغداد بارها از ارتش ملی آزادیبخش به عنوان شبه نظامیان کمکی برای تامین دفاعی کشور استفاده می کردند که این مورد به هنگام جنگ علیه ایران و یا در سرکوب اقلیت های عراق در جنگ خلیج (فارس) دیده شده است. به هنگام آخرین جنگ عراق، ارتش ملی آزادیبخش در نبردها علیه نیروهای امریکایی مشارکت نداشته است.

« فعالیت ها در فرانسه »

در فرانسه، مجاهدین محتاطانه و با سوءظن عمل می کردند. علیرغم اینها، به يك هیات پارلمانی ایران به هنگام دیدار از فرانسه در ژوئن سال ۲۰۰۱ حمله کرده اند. اخیراً به جلسات خود افزوده و در اندیشه انجام عملیات چشمگیری به منظور جلب توجه رسانه ها در خصوص اوضاع مردم ایران بودند.

بنابر اطلاعات اخیر، در صورت حمله امریکا- انگلیسی ها، سازمان مجاهدین خلق ایران در نظر داشت تا به تظاهرات افزایش داده، عملیاتی علیه اهداف ایرانی ها در اروپا، و حذف فیزیکی اعضای قدیمی خود که با سرویس های اطلاعاتی ایران- واواک- همکاری کرده اند، عملی سازد.

همچنین به هنگام آخرین جلساتشان، از امکان کمک گرفتن از عملیات انتحاری (خود سوزی) صحبت شده است.

بدنبال مداخله در عراق و سقوط رژیم صدام حسین، اعضای کادر هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش ملی آزادیبخش از عراق فرار کرده و بسیاری از آنها در اروپا و فرانسه مستقر شده اند.

آهنگ مرگ



۳۰ ژوئن

کلیه روزنامه های امروز در حجم های خبری کمتری نسبت به دو روز گذشته به ادامه واکنش های مربوط به یورش پلیس به مقر سازمان مجاهدین خلق پرداخته اند. فیگارو با چاپ عکس یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که در مقابل سفارت فرانسه در ایتالیا اقدام به خودسوزی نموده است می نویسد تا دیروز ۹ نفر از این افراد اقدام به خود سوزی کرده اند. شیشزولا گزارشگر فیگارو اضافه می کند: رئیس د.اس.ت می گوید: ما تنها نیستیم. طی سالیان اخیر این سازمان در استرالیا، آلمان و یا امریکا هدف قرار گرفته شده بود». فیگارو می نویسد: این سخن رئیس سازمان امنیتی شاید بیانگر واکنش شدید مجاهدین پس از یورش دو روز پیش به مقرشان باشد. تظاهرات پراکنده ای بدنبال دستگیری ۲۰۰ نفر از آنها در اورسورآواز و پاریس، علیرغم ممنوعیت هرگونه تظاهراتی توسط پلیس، ادامه داشت. شیشزولا اضافه می کند: فراتر از نوعی تعصب گرایی و آئین شهادت طلبی ویژه این سازمان، اقدام به خودسوزی شاید گواهی بر پریشانی هواداران آن در مقابل عملیات انجام شده علیه این سازمان باشد. سازمان مجاهدین خلق در بیانیه ای در روز گذشته « دروغ های » رئیس د.اس.ت را افشا نموده است. شیشزولا اضافه می کند: به نظر می رسد که سه کشوری که از آن نام برده شده است، چنین دروغی را در آن سوی مرزها قبول داشته باشند. سوم ژوئن، پلیس فدرال استرالیا به حدود ده خانواده از مخالفین ایرانی در بریسمان، سیدنی و ملبورن حمله کرده است. رایانه ها و تلفن های همراه در چارچوب تحقیقات روی گردش مالی مجاهدین توقیف گشته اند. تا بحال، به استثنای حمله آوریل ۱۹۹۲ به سفارت ایران در پاریس که يك ديپلمات هم زخمی شد، سازمان مجاهدین خلق کمتر از خود در کل کشور حرفی ایجاد کرده بود. از تابستان ۲۰۰۲، مقامات کانبرا علاقمند به گردش های احتمالی پول به سوی شبکه های سازمان مجاهدین خلق در خارج و به ویژه فرانسه شده بودند. پیام هایی مبنی بر حمله به منافع ایران نیز از مقر اصلی در فرانسه به سازمان مجاهدین خلق ارسال شده بود.

مشکلات سازمان مجاهدین خلق در آلمان که از مدتها پیش در آنجا مستقر شده و یکی از مراکز اصلی شان در کولون است، قدیمی هستند. دسامبر ۲۰۰۰، بی.اف.وی ضد جاسوسی آلمان گزارشی با عنوان « افراط گرایی ایرانی ، مجاهدین و ویتترین شورای ملی مقاومت ایران» منتشر ساخت. در آن گزارش با همان قاطعیت د.اس.ت از « آئین رئیس استالینی» سازمانی «منزوی» که در آن رفتارهای « فرقه ای » بسیار دیده می شوند، سخن رفته است. بی.اف.وی به

ویژه یادآوری می کند که نیمه مارس ۲۰۰۰، پلیس قضایی این کشور در هامبورگ و برگیش گلاباخ در اماکن انجمن کمک به پناهندگان ایرانی که یکی از اقمار سازمان مجاهدین خلق است و در حاشیه آن عمل می کند، بازرسی صورت داده است. این انجمن متهم شد که کمک های اجتماعی برای تغذیه پناهندگان را به نفع تامین مالی خارجی سازمان مجاهدین خلق بکار می برده و در این گردش پول، فرانسه جایگاه خوبی داشته است و این توجیه کننده این است که چرا د.اس.ت به این مطلب علاقمند شده است. در گزارش بی.اف.وی علیه يك خطر « پولشویی که بطور حرفه ای انجام گرفته» هشدار داده شده است.

آخرین کشوری که رئیس د.اس.ت از آن نامبرد، امریکا می باشد که با فعالیت شورای ملی مقاومت ایران مدارا می کند ولی سازمان مجاهدین خلق از سال ۱۹۹۷ در فهرست سیاه تروریستی وزارت خارجه قرار گرفته است در حالیکه دفتر امور ضد تروریستی امریکا معتقد است که شورای ملی مقاومت ایران بطور کامل جزیی از سازمان مجاهدین خلق است و این چیز است که قطعاً کارها را برای مجاهدین خلق دشوارتر می کند...



تروریستهای رجوی در حال حمله با پتک به کارمند
سفارت (استرالیا)

فیگارو، ۳۰ ژوئن: رئیس سازمان امنیت: «مجاهدین در نوعی فرقه‌گرایی افتاده بودند»

رئیس سازمان امنیت فرانسه در ارتباط با دستگیری مجاهدین مصاحبه‌ای با فیگارو انجام داده و مجموعه تهدیدهایی که روی فرانسه سنگینی می‌کند را بیان می‌نماید.

فیگارو می‌نویسد: درحالی‌که در تقریباً تمامی اروپا، مجاهدین در اعتراض به دستگیری ۱۶۶ نفر، دست به خودسوزی می‌زنند، رئیس DST به دلایلی که پلیس را وادار نمود تا به این یورش گسترده علیه مجاهدین و بنابر دستور قاضی بروگی پر دست بزند، توضیحاتی داده است. روز گذشته وزیر خارجه فرانسه تأکید کرد که این دستگیریها به منظور مسترد نمودن هواداران اسلامی-مارکسیستی بطرف ایران نمی‌باشند.

درعین حال فردا، چندین نفر از این افراد در مقابل قضاات ضد تروریستی پاریس حضور خواهند یافت که می‌تواند به زندانی شدن آنها منجر شود.

به نوشته فیگارو با این عملیات، سرویس ضد جاسوسی فرانسه از سایه بیرون آمده است. سازمانی «مخفی تر از مخفی» که قبول کرده است به تمامی پرسش‌ها پاسخ دهد.

سؤال: آیا عملیات گسترده سه شنبه علیه مجاهدین خلق ایران مستقر در فرانسه پاسخ به تهدیدی مشخص بوده است؟

جواب: مجاهدین خلق ایران از مدت‌ها قبل بطرف یک منطق تروریستی گرایش پیدا کرده بود. علیرغم بیانیه‌ها و اظهارات سازمان که مدعی است صرفاً علیه یک رژیم مبارزه می‌کند، بدانید که سوءقصد‌های آن قربانیان مردمی زیادی داشته است. در ارتباط با سخنان مجاهدین خلق ایران و در ارتباط با این که می‌خواهد دموکراسی را به ایران بازگرداند، بایستی آن را با ویژگی فوق العاده مستبدانه جنبش قضاوت نمود، جنبشی که در آن نوعی کیش شخصیت پرستی شدیدی حاکم است. اعضای آن می‌بایست بطور کورکورانه‌ای کاملاً در خدمت مسعود رجوی و همسرش باشند و کوچکترین انتقادی هزینه گزافی دارد. همچنین مجاهدین خلق به طرف نوعی فرقه‌گرایی رفته که بیانگر تعصبات هواداران آن است: خودسوزی‌های دراماتیک روزهای اخیر متأسفانه تأییدی بر این مدعا است.

DST از مدتها پیش این سازمان را تحت نظر داشته و به مقامات دولتی و قضایی در ارتباط با خطرناک بودن فزاینده آنان هشدار داده است. طی دو سال اخیر تلاش شده تا ساختارها و نحوه عمل سازمان بررسی و تشریح شود، بویژه مستقر شدن آنها در فرانسه، که بدلیل پیچیدگی‌های مجاهدین خلق، فرهنگ پنهان کاری‌شان، فرقه‌ای بودن و وسوسه روی ایده‌هایشان، وظیفه بسیار مشکلی بود. اما عواقب غیر مستقیم مداخله امریکا در عراق بود که ما را در انجام این عمل به جلوانداخت. هم زیستی در خود فرورفته ای که در «اورسوراواز» برای اعضای رده بالا و هواداران ورزیده چریکی وجود داشت و نیز اطلاعاتی که از منابع مختلفی بدست ما رسیده بودند، ما را متقاعد ساختند که مجاهدین خلق در نظر دارد مقر اصلی جهانی خود را پس از دست دادن عراق در فرانسه مستقر نماید. هم بخاطر دلایل اصولی و هم بخاطر خطراتی که متوجه شهروندانمان بود، نمی توانستیم چنین دورنمایی را قبول کنیم.

لوموند در گزارشی بقلم پی یوتر سمولار می نویسد: شش هوادار مجاهدین خلق خود را آتش زدند و سازمان مجاهدین خلق ایران خواهان آزادی اصلی ترین رهبرشان یعنی مریم رجوی است که در حال حاضر در د.اس.ت در بازداشت هستند.

این روزنامه ضمن چاپ عکس خود سوزی یکی از این افراد در پاریس و اشاره به خودسوزی های دیگر در سایر کشورها و وضعیت جسمانی آنها...می افزاید: تحقیقات در مورد تلاش برای خود سوزی به بریگاد جنایی پلیس در چارچوب تحقیق پیرامون جرم آشکار عدم کمک به افراد در معرض خطر، که مانع از هرگونه کمک می شود و سکوت را ترغیب می نماید، سپرده شده است. دو نفر بخاطر مشارکت در این خود سوزی ها بازداشت شده اند...لوموند می افزاید:.. به گفته یکی از سخنگویان مجاهدین خلق بنام بهزاد نظیری ، یکی از نمایندگان وزارت کشور قول داده است تا به تقاضای آنها در آزاد کردن مریم رجوی و باز کردن ویلاهای اقامتی آنها تا قبل از جمعه عمل نماید. د.اس.ت این اظهارات را « مسموم » توصیف نموده و اضافه کرد که در پایان ۹۶ ساعت بازداشت ۲۲ نفر باقیمانده، فقط قاضی بروگی یر و دیگر قضات ضدتروریستی هستند که می توانند تصمیم به يك آزادی احتمالی یا ادامه زندان بگیرند.

« ویژگی تعصب گرایی »

سمولار به کنفرانس مطبوعاتی رئیس د.اس.ت – که تا چنین روزی بیسابقه بوده- اشاره می کند که خواسته است به آنهایی پاسخ دهد که وانمود می کنند که این عملیات « کشتن يك مگس با چکش بوده است». پی یر دو بوسکه، رئیس د.اس.ت در مورد خودسوزی های افراد مجاهدین خلق گفت که پیش بینی چنین کاری نشده بود ولی « ترس » از آن وجود داشت. وی افزود: « ما خصوصیات متعصبانه هواداران مجاهدین خلق را می دانستیم بویژه کیش شخصیت پرستی مربوط به مریم رجوی را».



رئیس د.اس.ت « ویژگی تروریستی» و « فرقه ای» مجاهدین خلق را خاطر نشان نموده و ضمن یادآوری تاریخچه و نحوه عمل « مستبدانه » سازمان تاکید نمود که مجاهدین خلق همواره با جنبشی از نوع خمرهای سرخ ممزوج می گردد». بگفته دوبوسکه، مجاهدین خلق در نظر داشت . «عملیاتی از نوع تروریستی در خارج از ایران، منجمله در اروپا و نه در فرانسه انجام دهد». برای خاطر نشان کردن خطرناک بودن مجاهدین خلق، که در پشت « سخنانی کاملاً روشن در وارد کردن دموکراسی به ایران» پنهان می شوند، دوبوسکه این عمل را « کلاه برداری»

توصیف نمود و یادآوری کرد که سال ۲۰۰۱ مجاهدین خلق مسئولیت ۱۹۵ سوء قصد را علیه ایران به عهده گرفته بود که قربانیان زیادی از میان شهروندان داشته است. دو بوسکه اضافه نمود که مقر اینها در اورسورآواز به يك « قلعه واقعی از نوع قلعه شابرول ((قلعه ضد پلیسی و ضد یهودی در اواخر قرن نوزدهم در ارتباط با محاکمه معروف يك افسر یهودی فرانسوی. م)) تبدیل و مرکز عملیات جهانی يك سازمان تروریستی شده بود». در بازرسی ها بیش از ۸ میلیون دلار کشف شد و همچنین تجهیزات ارتباطی پیشرفته از طریق ماهواره، يك استودیوی تلویزیونی و صدها رایانه که با مطالعه اینها می توان اطلاعات گرانبهائی در زمینه گردش های مالی از طریق حسابها و بانک های کشورها بدست آورد، کشف و توقیف شدند.

لیبراسیون، اول ژوئیه: یازده تن از مجاهدین خود را قربانی « دسیسه ها» می دانند.

این روزنامه در گزارشی به حجم يك سوم صفحه به قلم گیوم رولن، ضمن چاپ عکسی از دو تن از اعتصابیون غذا در مخالفت با دستگیری مریم رجوی، می نویسد: امروز دادسرای پاریس در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی یازده تن از مجاهدین ایرانی که بخاطر « وابستگی به يك گروه تبهکاری در ارتباط با اقدامات تروریستی و تامین مالی تروریسم» دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفته شده اند، تصمیم خواهد گرفت. جلسه دادگاه به صورت غیرعلنی و در غیبت زندانیان به ویژه مریم رجوی رئیس آنها تشکیل می شود.

رولن می افزاید: روز گذشته چندین تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران يك کنفرانس مطبوعاتی در مقر جدید حقوق بشر در پاریس ترتیب داده و علیه دستگیری و شرایط حبس طرفدارانشان اعتراض کرده و « تبلیغات گسترده دسیسه و توطئه علیه خود» را فاش ساختند.

رولن اضافه می کند: در همان لحظات در خانه شیمی در منطقه پاریس ۷، جمعی از مجاهدین قدیمی- هشیاران- در يك کنفرانس مطبوعاتی پیرامون موضوع « آیا مجاهدین خلق يك تهدید تروریستی در فرانسه هستند؟» خلاف سخنان فوق را اظهار داشته و اعلام کردند: هدف از این کنفرانس مطبوعاتی «روشن کردن حقایق» روی « گروهی اسلامگرا و مارکسیست بود که همانند يك فرقه واقعی عمل می کند و فرمان های بسیار پست صدام حسین را انجام می داد». به نوشته گیوم رولن، سازمان دهندگان این کنفرانس، کتابچه ای حاوی شهادت هایی با عناوین تحریک کننده « فرزندم یکی از ماموران مجاهدین است»، یا « دخترم را در مقابل من سوزانیدند»، « حاضر به شهادت دادن جنایات مجاهدین در کردستان عراق هستیم» و یا باز هم «يك بن لادن ایرانی» که به غیر از مسعود رجوی نمی تواند باشد، « مردی که از واقعه ۱۱ سپتامبر اظهار شادمانی نمود» معرفی کرده اند. مؤلفین این کتابچه « برای حفظ امنیت خود» ترجیح داده اند گمنام باقی بمانند.

لیبراسیون سپس به معرفی این کتاب با عنوان « مبارزه مشکوک سازمان مجاهدین خلق ایران» نوشته ویکتور شاربونی یر - نام مستعار- در انتشارات هارماتان اشاره می کند.



هرالد تریبون، اول ژوئیه: موشکافی چهره هایی از مجاهدین خلق

روزنامه ی انگلیسی زبان هرالد تریبون مقاله ای را به قلم خانم الن شولینو و با عنوان فوق منتشر نموده و می نویسد: از منظر معتقدین و اعتصاب کنندگان غذا در اعتراض به بازداشت مریم رجوی در زندان فرانسه ، وی سبیل چهره ی خندان آینده ی ایران، و زنی است که مصمم به سرنگونی رهبران روحانی در ایران می باشد و خود رئیس جمهور کشوری آزاد و دموکراتیک خواهد گردید.

از دیدگاه عیب جویان ، مریم رجوی يك چهره خطرناك آئینی است که به همراه همسرش مسعود رجوی هدایت و رهبری يك جنبش تروریستی را که ایران را به دشمنش یعنی عراق فروخته و زندگی در زیر چتر قیمومیت صدام را پذیرفته است ، شناخته می شود . آنها می گویند رجوی ها مغز هواداران را شستشو داده ، آنان را به ترك همسران و فرزندان خود واداشته و کسانی را که مقاومت کرده ، کشته و یا به زندان افکنده اند .

آنچه محرز است ، این است که مجاهدین خلق ، گروه معاند به رهبری رجوی و مستقر در عراق ، از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه ی اروپائی به عنوان يك سازمان تروریستی شناخته شده است . در حال حاضر با عنایت به تبعات پیش بینی نشده در جنگ هدایت شده از سوی آمریکا در عراق ، ایالات متحده آمریکا و فرانسه در صدد تلاش برای دریافتن این موضوع که به واقع مجاهدین خلق چه کسانی هستند و با آنان چه باید کرد ، می باشند .

واژگونی حکومت صدام حسین ، سرنوشت هزاران هوادار مجاهدین مستقر در عراق ، از جمله گروه های مسلح به سلاحهای سنگین را در دستهای آمریکا قرار داد . عملیات عمده فرانسه علیه مقر فعلی گروه در منطقه ی اورسوراوآز و دیگر سایت های خارج از پاریس مجاهدین ، حدود دو هفته قبل ، با هدف ممانعت از حرکت مرکزی عملیات جامع سازمان از عراق تا فرانسه صورت گرفت .

پیر یوسکه رئیس سازمان امنیت فرانسه طی مصاحبه ای اعلام داشت : " ما بیش از این نمی توانیم سازمانی را که عملیات تروریستی خود را گسترش داده تحمل کنیم و بیم آن داریم که مجدداً به سازماندهی و طرح ریزی عملیات خود از خاک فرانسه مبادرت ورزند ."

دولت فرانسه بیش از دو دهه به مجاهدین پناهندگی سیاسی و حتی حمایت پلیسی اعطاء نموده بود . بوسکه گفت که از پائیز گذشته سازمان اطلاعاتی فرانسه ورود دسته جمعی تعدادی از اعضاء و پس از جنگ عراق بسیاری از سربازان این سازمان را به فرانسه ثبت کرده بود . گروه مکان يك کارخانه سابق رنگ سازی را در منطقه ی سنت کونن اجاره و آن را به مرکزی برای ارتباطات با يك استودیوی تلویزیونی و آنتن های ماهواره ای مبدل کرده بود. مقامات سازمان اطلاعات فرانسه از طرح مجاهدین برای حمله به سفارتخانه ها و دیگر منافع ایران و همچنین ترور ۲۵ تن از اعضای سابق مجاهدین گزارش داده اند . حتی در زمانی که برخی از مقامات هیأت حاکمه ی بوش ، احتمال بکار گیری این نیروی بالقوه را علیه ایران مطرح کردند، تمایل زیادی برای از کار انداختن آن وجود داشته است .

بوسکه می گوید: " این سازمان به هیچ وجه يك جنبش سیاسی و دموکراتیک محسوب نمی گردد . این سازمان درصدد استقرار دموکراسی در ایران نبوده است . آنان دقیقاً دیوانه، فرقه ای متعصب و کاملاً فاقد دموکراسی می باشند و نوعی پرستش نسبت به رهبری خود دارند." آن چیزی که کشف مجاهدین را دشوار می سازد، حداقل دو جنبه می باشد. یکی انجام عملیات با تشکل نظامی بالا از درون عراق و با ارتش خود سازمان ، قوانین پوششی ، تقویم کاری ، آئین و مراسم ، تحریر مطبوعات ، کمپ های آموزش نظامی ، درمانگاه ها و چیزی که به آن " اردوگاههای آموزش مجدد " گفته می شود . دیگری دفاتر این سازمان در پایتخت های اقصی نقاط عالم تحت عنوان شاخه ی سیاسی سازمان با نام شورای ملی مقاومت است که دارای امکانات پیچیده و کارکنان کت و شلواری چند زبانه می باشد. در اقدامی متناقض در نحوه ی عمل سیاست آمریکا، وزارت امور خارجه شاخه ی سیاسی گروه را بعنوان بخشی از شبکه ی تروریستی مجاهدین لحاظ کرده ، اما آشکارا مجاز شمرده تا در ایالات متحده آمریکا عمل کند و حتی در وزارت دادگستری به عنوان يك سازمان لابی کننده ثبت گردیده است. این اقدام به سازمان این حق را داده تا در "کاپیتول هیل " به لابی کردن پرداخته و امضای قانون گزاران را برای دادخواستی حمایتی کسب نمایند .

اما از منظر آنهایی که سازمان را مورد مذاقه و مطالعه قرار داده و همچنین برخی از اعضای سابق آن ، سازمان از ساختار يك جنبش سیاسی که برخوردار از حمایت مردمی از درون ایران باشد ، دور است. سازمان از زمان تأسیس خود که در مخالفت با حکومت پادشاهی ایران

در سالهای دهه ی ۱۹۶۰ می باشد ، متحمل چرخش های ایدئولوژیکی بوده است، به این معنا که از جنبشی ضد امپریالیستی به سمت ملغمه ای از اسلام و مارکسیسم ، برابری سوسیالیستی و تا فلسفه ای مبهم که از دموکراسی ، آزادی و حقوق برابر برای زنان سخن می گوید ، در تغییر و تطور بوده است .

ارواند ابراهامیان استاد تاریخ در کالج باروش نیویورک ، که معتبرترین تاریخ را پیرامون سازمان نگاشته است ، اینطور می گوید: " این گروه يك فرقه اسرار آمیز است تأکید در این سازمان بر تبعیت محض از رهبری است و بیش از هر برنامه ی سیاسی ، این امر آنرا حفظ کرده است ، چنانچه مسعود رجوی فردا از خواب برخیزد و اعلام کند که کره زمین مسطح است ، اعضای سازمان آن را خواهند پذیرفت ."

یکی از اعضای سابق سازمان می گوید : " سازمان مدت زمان مدیدی را برای نشان دادن چهره ی مثبتی از خود در جهان تلاش نمود. در حالی که نمایندگان سازمان در جهان به طور آشکاری حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را محکوم می کردند، در عراق شادی می نمودند."

" در تمامی اردوگاهها، مجاهدین ، ۱۱ سپتامبر را جشن گرفتند" اردشیر پرهیزکاری ۳۹ ساله یکی از اعضای سابق شورای مرکزی گروه، که هم اکنون بعنوان پناهنده سیاسی در اروپا بسر می برد ، در يك مصاحبه ی تلفنی این طور گفت . " من در یکی از زندانهای آنها بودم و هیچگاه به این شکل با ما خوش رفتاری نشده بود ، آن روز به ما آب میوه و شیرینی داده شد . آنان از حوادث ۱۱ سپتامبر به عنوان روز انتقام خداوند از آمریکا یاد می کردند." این عضو سابق قطع ارتباط سازمانی خود با این گروه را توضیح می دهد: " شما هویت خودتان را از دست می دادید و مجاز به تفکر آزادانه نمی بودید . زمانیکه مبارزه با آنان را آغاز کردم اشتباهات آنان را خاطر نشان ساختم ، مرا مقابل دادگاهی قرار دادند و به جرم عدم اجرای فرامین رهبری به زندان فرستادند و چنان مرا کتک زدند که اکنون در راه رفتن می لنگم"

زهد و پارسائی خانم رجوی حدوداً ۵۰ ساله ، بود که برخی از حامیان خود را در سرتاسر اروپا و به منظور اعتراض به بازداشتش، به خود سوزی هدایت و رهنمون ساخت.

یکی از اعضای سابق مجاهدین می گوید که در اردوگاههای آموزشی در عراق خود سوزی به عنوان پاسخی مناسب در قبال اذیت و آزار رجوی مورد تمجید واقع می گردید .

در مصاحبه های انجام شده با مجاهدین فراری ، آنان جنبه های وحشیانه ی سازمان را در عراق ، جایی که از سال ۱۹۸۶ مستقر می باشند ، شرح داده اند . پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج (فارس) دولت عراق دستور داد تا سربازان مجاهدین در جهت سرکوب اکراد مخالف صدام و شیعیان با نظامیان عراقی همکاری و مساعدت نمایند .

" به ما گفته شده بود که چنانچه این شورشها به سرنگونی صدام حسین منجر گردد ، پایانی برای جنبش ما خواهد بود" ، کریم حقی ۴۲ ساله یکی از محافظان شخصی رجوی ، که هم اکنون به عنوان پناهنده سیاسی در اروپا زندگی می کند ، این مطلب را در يك مصاحبه ی تلفنی اعلام داشت . " خانم رجوی به ما می گفت آنان را با تانک بکشید و سعی کنید گلوله ها را برای عملیات دیگر نگه دارید" . او همچنین گفت که به زندان افتاده بود و اتفاقی از زندان گریخته است . یکی دیگر از اعضای سابق اعلام داشت که آنان وادار به طلاق شده بودند و فرزندان آنها به زور از والدین جدا گردیده و به اروپا برای فرزند خواندگی اعزام شده اند . همچنین گذرنامه های آنان را گرفته و به آنان هویت جدیدی داده می شد و به اجبار در جلسات اعتراف به گناهان شرکت می کردند ، جلساتی که ضبط ویدئویی شده و در زمانیکه فرد دچار تزلزل می گردید ، از فیلم آن علیه فرد مورد نظر استفاده می شد . محمد حسین سبحانی ۴۲ ساله همچنین یکی از محافظان شخصی رجویها در يك مصاحبه ی تلفنی گفت که وادار به طلاق همسرش گردیده است . دختر ۶ ساله ی آنها به خارج از عراق اعزام و توسط يك زوج ایرانی در دانمارک به فرزند خواندگی پذیرفته شده است . " آنها به دخترم گفته بودند که پدرت در يك عملیات مجاهدین کشته شده است و من از هر گونه تماسی با او منع شده بودم " ، سبحانی ادامه داد و گفت که در حالیکه دخترش امروز ۱۸ ساله می باشد ، از آن زمان ردش را از دست داده است .